

اللَّهُمَّ احْمِ
الْحَمِيمَ الْكَرِيمَ!

انرژی و روابط جمهوری آذربایجان و اتحادیه اروپایی

ابراهیم رضایی‌راد^۱

قاسم اصولی اودلو^۲

چکیده

جمهوری آذربایجان با تکیه بر منابع غنی نفت و گاز دریای خزر و پروژه‌هایی همچون خط لوله باکو-تفلیس-جیهان و کریدور گازی جنوبی، توانسته جایگاه خود را به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در تأمین امنیت انرژی اروپا تثبیت کند به‌گونه‌ای که علی‌رغم فشارهای روسیه، ترکیه و همچنین تحولات مربوط به جنگ اوکراین، توانسته است موازنه‌ای عمل‌گرایانه میان منافع بازیگران مختلف ایجاد کند. راهبرد انرژی جمهوری آذربایجان در برابر اروپا چه نقشی در تثبیت موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور و مشروعیت داخلی دولت ایفا می‌کند؟ فرضیه پژوهش این است که جمهوری آذربایجان با بهره‌گیری از انرژی به‌عنوان اهرم فشار و ابزار تعامل، توانسته است هم جایگاه خود را در نظم انرژی اوراسیا و اروپا ارتقا دهد و هم از آن به‌عنوان ابزاری برای تقویت مشروعیت داخلی بهره‌گیرد. در این مقاله از چارچوب نظری واقع‌گرایی، روش تحقیق مبتنی بر تحلیل کیفی و بهره‌گیری از منابع ثانویه شامل مقالات علمی، گزارش‌های مراکز پژوهشی و داده‌های آماری تا سال ۲۰۲۵ است.

▪ واژگان کلیدی:

انرژی، جمهوری آذربایجان، اتحادیه اروپا، واقع‌گرایی، امنیت انرژی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۱۴

^۱ دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

ebrahim.rezaeirad@iau.ac.ir

^۲ نویسنده مسئول و استادیار گروه مطالعات آسیایی، دانشکده اکو، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

ghasem.osuli@gmail.com

مقدمه

راهبرد انرژی جمهوری آذربایجان در قبال اروپا طی دو دهه اخیر به یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی و ژئوپلیتیکی این کشور تبدیل شده است. جمهوری آذربایجان با قرار گرفتن در سواحل دریای خزر و بهره‌مندی از ذخایر عظیم نفت و گاز، توانسته است به بازیگری مهم در امنیت انرژی اروپا بدل شود. پروژه‌های کلیدی همچون خط لوله باکو-تفلیس-جیهان و کریدور گازی جنوبی، با هدف متنوع‌سازی مسیرهای صادرات انرژی و کاهش وابستگی اروپا به منابع روسیه، نشان‌دهنده رویکرد واقع‌گرایانه باکو در حوزه انرژی است. از منظر واقع‌گرایی، سیاست انرژی جمهوری آذربایجان نه تنها یک فعالیت اقتصادی، بلکه ابزاری راهبردی برای افزایش قدرت ملی و تضمین بقا در محیط بین‌المللی است. این کشور تلاش کرده با استفاده از انرژی، موازنه‌ای میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایجاد کند و نفوذ خود را در برابر روسیه و دیگر بازیگران افزایش دهد. در این چارچوب، انرژی به عنوان اهرمی برای دیپلماسی و قدرت نرم عمل می‌کند و جایگاه ژئوپلیتیکی باکو را تثبیت می‌سازد.

علاوه بر بعد خارجی، انرژی به عنوان ابزار مشروعیت‌بخشی داخلی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. دولت جمهوری آذربایجان با بهره‌گیری از درآمدهای انرژی، پروژه‌های توسعه‌ای و رفاهی را پیش می‌برد و از این طریق پایه‌های سیاسی و اجتماعی حاکمیت را تقویت می‌کند. این سیاست موجب تقویت انسجام سیاسی و اقتصادی در داخل کشور و کاهش فشارهای انتقادی از سوی مخالفان می‌شود. بنابراین، انرژی به طور هم‌زمان نقش ژئوپلیتیکی و داخلی دارد و نمی‌توان آن را صرفاً یک ابزار اقتصادی قلمداد کرد. اهمیت این موضوع در شرایط رقابت شدید ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی دوچندان می‌شود. روسیه تلاش می‌کند نفوذ خود را در حوزه انرژی حفظ کند، ترکیه به عنوان متحد راهبردی جمهوری آذربایجان نقش گذرگاه انرژی را ایفا می‌کند، ایران موقعیت ژئوپلیتیکی خود را به عنوان رقیب یا مکمل طرح‌ها دنبال می‌کند و اتحادیه اروپا و ایالات متحده نیز از منظر امنیت انرژی اروپا به حمایت از پروژه‌های انرژی جمهوری آذربایجان پرداخته‌اند.

با توجه به این زمینه، سؤال اصلی پژوهش این است که راهبرد انرژی جمهوری آذربایجان در برابر اروپا چه نقشی در تقویت موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور و مشروعیت داخلی دولت ایفا می‌کند؟ فرضیه پژوهش نیز منطبق با چکیده است: راهبرد انرژی جمهوری آذربایجان به اروپا نه تنها ابزاری برای افزایش قدرت و نقش ژئوپلیتیکی در سطح بین‌المللی

است، بلکه در سطح داخلی به عنوان ابزار مشروعیت بخشی به حاکمیت و تقویت انسجام سیاسی و اقتصادی مورد استفاده قرار می گیرد. روش تحقیق این مطالعه مبتنی بر تحلیل کیفی و بررسی اسنادی-توصیفی است. داده ها از طریق منابع معتبر شامل مقالات علمی، گزارش های اندیشکده ها و مراکز پژوهشی، آمارهای بین المللی و منابع خبری تا سال ۲۰۲۵ گردآوری شده اند. چارچوب نظری پژوهش نیز واقع گرایی است که بر مبنای آن انرژی نه تنها کالا بلکه ابزار راهبردی قدرت، تضمین بقا و مشروعیت داخلی محسوب می شود. با تمرکز بر این چارچوب، مقاله به بررسی این موضوع می پردازد که چگونه جمهوری آذربایجان توانسته است با استفاده از منابع انرژی، هم در سطح خارجی جایگاه ژئوپلیتیکی خود را ارتقا دهد و هم در داخل به تقویت مشروعیت سیاسی و ثبات رژیم بپردازد. همچنین، این بررسی نشان می دهد که سیاست انرژی باکو همسو با اصول واقع گرایی، شامل بیشینه سازی منافع ملی، کاهش تهدیدات و ایجاد توازن قوا در سطح منطقه ای و فرامنطقه ای است.

ادبیات پژوهش. شاهین^۱ (۲۰۲۴) در مقاله ای با عنوان یک مشارکت انرژی در حال تکامل: اتحادیه اروپا و جمهوری آذربایجان مطرح می کند که اتحادیه اروپا به دنبال کاهش وابستگی انرژی خود به روسیه، همکاری با جمهوری آذربایجان را به طور فزاینده ای گسترش داده است. این همکاری که ابتدا بر صادرات نفت متمرکز بود، پس از بحران های انرژی روسیه و اوکراین به سرعت به حوزه گاز طبیعی گسترش یافت. خط لوله انتقال گاز ترانس آدریاتیک^۲ که در سال ۲۰۲۰ به بهره برداری رسید، نقش حیاتی در تضمین امنیت انرژی اروپا ایفا کرده است. اگرچه اتحادیه اروپا و جمهوری آذربایجان تفاوت های چشمگیری در زمینه های سیاسی و ارزشی دارند، اما اتحادیه اروپا به دلایل امنیت انرژی، رویکردی عمل گرایانه در قبال باکو در پیش گرفته است. این رویکرد منجر به ایجاد استثنایی در سیاست همسایگی معمول اتحادیه اروپا شده است. این تحولات نشان می دهد که چگونه ملاحظات امنیت انرژی می تواند بر اولویت های ژئوپلیتیک اتحادیه اروپا تأثیر گذاشته و منجر به بازتعریف روابط راهبردی آن با بازیگران منطقه ای شود.

آسادوا^۳ (۲۰۲۴) در مقاله ای با عنوان سیاست امنیت انرژی جمهوری آذربایجان در چارچوب روابط با اتحادیه اروپا استدلال می کند که جمهوری آذربایجان با اتخاذ یک استراتژی هوشمندانه انرژی پس از استقلال، توانسته است با ترکیب دو هدف کلیدی -

^۱. Şahin

^۲. TAP

^۳. Asadova

تأمین امنیت انرژی داخلی و توسعه همکاری‌های بین‌المللی - به موفقیت‌های چشمگیری دست یابد. این کشور با بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیک خود و منابع انرژی غنی، نه تنها به توسعه زیرساخت‌های بومی پرداخته، بلکه با طراحی نقشه راه روشن در عرصه بین‌المللی، به شریکی قابل اعتماد برای اتحادیه اروپا تبدیل شده است.

سلیمی و همکاران (۱۴۰۱). جایگاه جمهوری آذربایجان در امنیت انرژی اروپا. نویسندگان این مقاله معتقدند با وجود تلاش اروپا برای کاهش وابستگی انرژی به روسیه و توجه به جمهوری آذربایجان به عنوان جایگزین، این کشور نقش محدودی در تأمین امنیت انرژی اروپا دارد. دلیل اصلی این است که جمهوری آذربایجان ظرفیت کافی برای انتقال انرژی به مقیاس مورد نیاز اروپا را ندارد؛ بنابراین اگرچه حضور جمهوری آذربایجان برای تنوع بخشیدن به منابع انرژی اروپا مفید است، اما نمی‌تواند جایگزین کامل روسیه شود.

دینجر^۱ (۲۰۲۳). در مقاله‌ای با عنوان نقش جمهوری آذربایجان به عنوان تأمین‌کننده انرژی اتحادیه اروپا: یک شریک جایگزین ثانویه در حوزه گاز طبیعی بیان می‌کند که با وجود تحولات ژئوپلیتیک اخیر و کاهش وابستگی اروپا به روسیه - که فرصت‌های جدیدی برای جمهوری آذربایجان ایجاد کرده - این کشور با چالش‌های ساختاری متعددی روبرو است. از سویی ظهور رقبای جدیدی مانند آمریکا، قطر، نروژ و انگلیس در عرصه عرضه انرژی و از سوی دیگر محدودیت‌های داخلی در ظرفیت تولید و انتقال، باعث شده سهم جمهوری آذربایجان در تأمین امنیت انرژی اروپا در حد یک شریک ثانویه باقی بماند. در نتیجه، هرچند جمهوری آذربایجان می‌تواند در تنوع بخشی به سبد انرژی اروپا نقش داشته باشد، اما به دلیل موانع سیاسی، جغرافیایی و فنی نمی‌تواند جایگزین کامل روسیه یا سایر تأمین‌کنندگان اصلی شود.

با بررسی پژوهش‌های گسترده در این خصوص به بررسی تأثیر انرژی در راهبرد جمهوری آذربایجان در قبال اتحادیه اروپا پرداخته است. این موضوع سبب نوآوری پژوهش و برای پژوهش‌های بعدی می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد.

چارچوب نظری. نظریه واقع‌گرایی یکی از بنیادی‌ترین چارچوب‌های تحلیل در روابط بین‌الملل است که تأکید اصلی آن بر قدرت و امنیت ملی دولت‌ها است (Morgenthau, 1948). واقع‌گرایان معتقدند که نظام بین‌الملل آنارشیک است؛ به این معنا که هیچ مرجع بالادستی برای کنترل رفتار دولت‌ها وجود ندارد (Waltz, 1979). در چنین ساختاری،

¹. Dinçer

دولت‌ها برای تضمین بقا و حفاظت از منافع ملی، مجبور به استفاده حداکثری از منابع و ابزارهای موجود شامل منابع اقتصادی و طبیعی هستند. در این چارچوب، انرژی، به‌ویژه نفت و گاز، به‌عنوان ابزاری استراتژیک برای افزایش قدرت ملی، نفوذ منطقه‌ای و تأثیرگذاری در روابط بین‌الملل شناخته می‌شود.

واقع‌گرایی سه اصل کلیدی دارد: ۱. امنیت و بقا در اولویت است: دولت‌ها برای حفاظت از بقا و منافع ملی خود، به منابع حیاتی دسترسی پیدا می‌کنند؛ ۲. قدرت مهم‌ترین معیار روابط بین‌الملل است: قدرت نظامی، اقتصادی و انرژی ابزارهای اصلی برای حفظ توازن و نفوذ محسوب می‌شوند و؛ ۳. سیاست بین‌الملل رقابتی است: کشورها برای تأمین منافع خود و جلوگیری از سلطه دیگران با یکدیگر رقابت می‌کنند.

بر اساس چارچوب نظری واقع‌گرایی، راهبرد انرژی جمهوری آذربایجان در قبال اتحادیه اروپا را می‌توان نمونه‌ای بارز از به‌کارگیری منابع حیاتی به‌عنوان ابزار قدرت و افزایش نفوذ در نظام آنارشیک بین‌الملل تحلیل کرد. آذربایجان با درک اولویت امنیت و بقا در فضای رقابتی منطقه‌ای، از منابع عظیم گازی خود در دریای خزر به‌عنوان اهرمی استراتژیک برای تقویت جایگاه ژئوپلیتیکی خود استفاده کرده است. توسعه پروژه‌های کلیدی انتقال انرژی مانند خط لوله ترانس آدریاتیک و خط لوله گاز ترانس آناتولی، نه تنها درآمدهای اقتصادی حیاتی برای دولت جمهوری آذربایجان فراهم آورده، بلکه به‌عنوان ابزاری برای ایجاد وابستگی متقابل و افزایش قدرت چانه‌زنی این کشور در برابر بازیگرانی مانند روسیه عمل کرده است. از منظر واقع‌گرایی، این راهبرد هوشمندانه، با کاهش وابستگی اروپا به گاز روسیه، توازن قدرت در منطقه را تحت تأثیر قرار داده و از طریق ایجاد پیوندهای استراتژیک با یک بلوک قدرتمند بین‌المللی، امنیت ملی و مشروعیت داخلی رژیم را در برابر تهدیدات بالقوه تقویت کرده است. در واقع منابع انرژی بر سیاست داخلی و مشروعیت سازی داخلی جمهوری آذربایجان تأثیر داشته است. درآمدهای انرژی دولت جمهوری آذربایجان را قادر ساخته تا پروژه‌های توسعه‌ای و برنامه‌های رفاهی را گسترش دهد و از این طریق قدرت سیاسی و مشروعیت اقتصادی خود را تثبیت کند. این اقدامات، از دیدگاه واقع‌گرایی، ابزارهایی برای حفظ بقا، کنترل جامعه و تقویت جایگاه دولت در برابر فشارهای داخلی و بین‌المللی محسوب می‌شوند. می‌توان سیاست انرژی جمهوری آذربایجان را به سه بعد مهم تقسیم کرد که در ادامه مقاله به‌صورت کامل به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. انرژی به عنوان ابزار ژئوپلیتیک

انرژی در جهان امروز تنها یک کالای اقتصادی نیست بلکه به عنوان ابزاری کلیدی در عرصه ژئوپلیتیک عمل می‌کند. کشورهایی که دارای منابع عظیم انرژی هستند یا در مسیرهای ترانزیتی مهم قرار دارند، می‌توانند از این ظرفیت برای تقویت جایگاه بین‌المللی خود و افزایش قدرت چانه‌زنی در برابر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای استفاده کنند. جمهوری آذربایجان نمونه بارز چنین وضعیتی است. موقعیت جغرافیایی آن در چهارراه اروپا و آسیا و برخورداری از منابع غنی نفت و گاز، این کشور را به بازیگری تأثیرگذار در معادلات انرژی و سیاست جهانی بدل ساخته است. پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، منابع انرژی این کشور به سرعت توجه قدرت‌های جهانی را جلب کرد. قرارداد مشهور قرارداد قرن در سال ۱۹۹۴ که با مشارکت ۱۱ شرکت بزرگ بین‌المللی برای توسعه میدان‌های نفتی آذری-چیراگ-گونشلی^۱ امضا شد، نقطه عطفی در بازتعریف نقش جمهوری آذربایجان در بازار جهانی انرژی بود زیرا این قرارداد نه تنها مسیر سرمایه‌گذاری خارجی را به جمهوری آذربایجان باز کرد، بلکه زمینه تبدیل باکو به یک صادرکننده قابل اعتماد انرژی برای اروپا را فراهم ساخت (Ahliman, 2025: 140-141). از منظر ژئوپلیتیکی، انرژی به جمهوری آذربایجان این امکان را داده است که موقعیت خود را به عنوان پل انرژی بین شرق و غرب تثبیت کند و در شرایطی که اروپا در تلاش برای کاهش وابستگی به روسیه بوده، باکو توانسته است از این نیاز به عنوان ابزاری برای ارتقای روابط خود با اتحادیه اروپا و نهادهای غربی بهره ببرد.

جمهوری آذربایجان با دارا بودن منابع غنی نفت و گاز دریای خزر، به‌ویژه میدان‌های نفتی و گازی شاه‌دنیز^۲، نقش کلیدی در سیاست انرژی اروپا ایفا می‌کند طبق آمار کشور آذربایجان ۷ میلیارد بشکه میزان ذخایر نفت خام این کشور است. همچنین ۲.۵ تریلیون فوت مکعب نیز میزان ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی جمهوری آذربایجان است (IEA.com, 2025). منابع انرژی نه تنها منبع درآمد و توسعه اقتصادی برای باکو فراهم کرده‌اند، بلکه به عنوان ابزاری استراتژیک برای نفوذ ژئوپلیتیکی و ایجاد توازن قدرت منطقه‌ای به کار گرفته شده‌اند. طبق جدول یک کشور جمهوری آذربایجان هفت میلیارد بشکه ذخایر نفت کشور آذربایجان است.

^۱. Azəri-Çıraq-Günəşli

^۲. Şahdəniz

جدول ۱. میزان ذخایر و تولید نفت خام جمهوری آذربایجان، ایران و روسیه در سال ۲۰۲۴

کشور	میزان ذخایر نفت در سال ۲۰۲۴ (میلیارد بشکه)	میزان تولید (هزار بشکه در روز) سال ۲۰۲۴
جمهوری آذربایجان	۷	۵۹۵
ایران	۲۰۸.۶	۴۳۴۰
روسیه	۸۰	۱۰۲۲۲

منبع: ۲۰۲۵. The Energy Institute و worldpopulationreview.com

از منظر واقع‌گرایی، استفاده از انرژی به‌عنوان ابزار قدرت، یکی از روش‌های اصلی دولت‌ها برای تأمین امنیت ملی و نفوذ در عرصه بین‌الملل است و بر روی ژئوپلیتیک نیز تأثیر می‌گذارد. در این چارچوب، دولت‌ها منابع حیاتی خود را به‌عنوان اهرم فشار یا ابزار همکاری به کار می‌گیرند تا منافع و امنیت خود را تأمین کنند. برای جمهوری آذربایجان، صادرات انرژی به اروپا، ابزاری برای کاهش وابستگی اتحادیه اروپا به گاز روسیه و ایجاد جایگاهی قدرتمند در توازن انرژی منطقه‌ای است. علاوه بر صادرات، کنترل مسیرهای انتقال انرژی نیز اهمیت دارد. جمهوری آذربایجان با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و امنیت خطوط لوله، توانسته ایمنی و قابلیت اطمینان تأمین انرژی اروپا را افزایش دهد. این اقدام موجب افزایش اعتماد اروپا به باکو به‌عنوان شریک قابل اعتماد شده و نفوذ سیاسی و اقتصادی این کشور را در تعاملات بین‌المللی تثبیت کرده است (Dinçer, 2024: 634-636).

یکی از مهم‌ترین ابزارهای جمهوری آذربایجان در این مسیر خطوط لوله استراتژیک آن بوده است. خط لوله باکو-تفلیس-جیحان^۱ که در سال ۲۰۰۶ افتتاح شد، نفت دریای خزر را از مسیر گرجستان به بندر جیحان در ترکیه منتقل می‌کند و ظرفیت انتقال روزانه آن حدود یک میلیون بشکه است. اهمیت ژئوپلیتیکی این پروژه در آن است که روسیه را کاملاً دور می‌زند و اروپا یک مسیر جایگزین برای واردات انرژی به‌دست می‌آورد. این پروژه نشان می‌دهد چگونه انرژی می‌تواند به ابزاری برای کاهش نفوذ ژئوپلیتیکی روسیه در منطقه بدل شود (Sovacool, 2012: 212). در کنار آن، کریدور گاز جنوب^۲ شامل خطوط لوله قفقاز جنوبی^۳، خط لوله انتقال گاز ترانس آدریاتیک و خط لوله گاز ترانس آناتولی، از سال ۲۰۱۸

^۱. BTC

^۲. Southern Gas Corridor

^۳. South Caucasus Pipeline

آغاز به کار کرده و گاز میدان عظیم شاه‌دنیز را به اروپا می‌رساند. این پروژه نقشی تعیین‌کننده در استراتژی تنوع‌بخشی انرژی اروپا دارد و در سال ۲۰۲۳ جمهوری آذربایجان حدود ۱۱.۸ میلیارد مترمکعب گاز به اتحادیه اروپا صادر کرده است که قرار است تا سال ۲۰۲۷ به ۲۰ میلیارد مترمکعب افزایش یابد (Firat, 2025: 272-274). اهمیت این پروژه نه تنها در ظرفیت فنی آن بلکه در پیام سیاسی‌اش نیز نهفته است: اروپا می‌تواند بدون عبور از خاک روسیه، به منابع گازی منطقه خزر دسترسی پیدا کند. این امر دقیقاً همان چیزی است که بروکسل به دنبال آن بود؛ تنوع‌بخشی مسیرها و منابع تأمین برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر فشارهای مسکو. این حجم بالا نشان‌دهنده نفوذ ژئوپلیتیکی باکو در یکی از حساس‌ترین حوزه‌های سیاست خارجی اروپا یعنی امنیت انرژی است؛ بنابراین خطوط لوله برای جمهوری آذربایجان تنها زیرساخت اقتصادی نیستند بلکه به مثابه ابزار ژئوپلیتیکی عمل می‌کنند که از طریق آن‌ها جایگاه خود را در تعاملات منطقه‌ای و جهانی تقویت می‌کند.

بحران اوکراین و محدودیت عرضه گاز روسیه به اروپا در سال‌های اخیر بار دیگر اهمیت انرژی جمهوری آذربایجان را آشکار ساخت. اروپا برای جبران کمبود، نگاه خود را بیش‌ازپیش به جمهوری آذربایجان دوخت و این شرایط فرصتی برای باکو ایجاد کرد تا در معادلات سیاسی اروپا نقش فعال‌تری ایفا کند و قدرت مانور بیشتری در برابر بازیگران بزرگ به دست آورد. علاوه بر این، زیرساخت‌های انرژی جمهوری آذربایجان امکان انتقال گاز کشورهای همسایه همچون ترکمنستان به اروپا را فراهم می‌سازد و این ظرفیت به باکو جایگاه ژئوپلیتیکی ویژه‌ای داده است تا بتواند به هاب انرژی منطقه تبدیل شود (Bedford and Aliyev, 2024: 94-95).

با وجود آنکه اقتصاد جمهوری آذربایجان هنوز به شدت به هیدروکربن‌ها وابسته است و بیش از ۹۰ درصد صادرات آن را شامل می‌شود، این کشور در سال‌های اخیر تلاش کرده است با سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر جایگاه خود را در آینده انرژی جهانی نیز تثبیت کند. پروژه کابل زیردریایی دریای سیاه از نمونه‌های بارز این تلاش‌ها است که با حمایت مالی اتحادیه اروپا قرار است تا ۴ گیگاوات انرژی بادی و خورشیدی جمهوری آذربایجان را از طریق گرجستان و رومانی به اروپا منتقل کند (Eurasianet.org, 2025). این پروژه نه تنها بُعد اقتصادی دارد بلکه جایگاه جمهوری آذربایجان را به عنوان شریک استراتژیک بلندمدت اروپا در حوزه انرژی پاک تقویت می‌کند. افزون بر این، ظرفیت‌های

عظیمی برای انرژی‌های تجدیدپذیر در جمهوری آذربایجان وجود دارد، از جمله ۱۵۷ گیگاوات پتانسیل بادی و خورشیدی و ۷ گیگاوات انرژی بادی در دریای خزر. سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها، به‌ویژه در مناطق آزادشده قره‌باغ و زنگه زور شرقی، امکان آن را به باکو می‌دهد که ضمن بازسازی این مناطق، قدرت ژئوپلیتیکی خود را از طریق صادرات انرژی پاک افزایش دهد (Minenergy.gov.az, 2025).

با وجود این مزایا، انرژی به‌عنوان ابزار ژئوپلیتیکی برای جمهوری آذربایجان با مخاطراتی نیز همراه است. زیرساخت‌های انرژی مانند خطوط لوله و کابل‌های زیردریایی در معرض خطرانی نظیر خرابکاری، حملات سایبری و تنش‌های منطقه‌ای قرار دارند. نمونه روشن آن خرابکاری در خط لوله نورد استریم^۱ بود که نشان داد آسیب‌پذیری زیرساخت‌های انرژی می‌تواند به سرعت پیامدهای ژئوپلیتیکی داشته باشد. علاوه بر این، روند جهانی گذار به انرژی‌های پاک ممکن است در درازمدت ارزش ژئوپلیتیکی هیدروکربن‌های جمهوری آذربایجان را کاهش دهد و به همین دلیل، باکو ناگزیر است به سرعت در انرژی‌های تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری کند تا جایگاه خود را در معادلات جهانی حفظ نماید.

۲. کاهش وابستگی به روسیه

یکی از محورهای مهم سیاست انرژی جمهوری آذربایجان، ایجاد روابط مستحکم با اروپا و کاهش وابستگی این اتحادیه به منابع روسیه است. اروپا پس از بحران اوکراین و افزایش فشارها بر بازار انرژی، نیازمند منابع جایگزین و مطمئن بود. جمهوری آذربایجان با افزایش صادرات انرژی و توسعه زیرساخت‌ها، به عنوان یکی از منابع جایگزین استراتژیک اروپا عمل کرده است. این سیاست، مزایای چندجانبه‌ای برای باکو به همراه دارد: اولین نکته تقویت نفوذ سیاسی در اروپا است که این موضوع برای جمهوری آذربایجان تبدیل شدن به یکی از تأمین‌کنندگان اصلی انرژی، امکان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با امنیت انرژی اروپا را فراهم می‌کند. همچنین نکته بعدی ایجاد توازن قدرت منطقه‌ای است که کاهش وابستگی اروپا به گاز روسیه موجب شده تا جمهوری آذربایجان بتواند در روابط خود با روسیه و بازیگران منطقه‌ای، نقش مؤثرتری ایفا کند. با توجه به اهمیت انرژی در سیاست بین‌الملل، این استراتژی به جمهوری آذربایجان امکان می‌دهد همزمان با حفظ منافع اقتصادی، وزن سیاسی خود را نیز افزایش دهد. این تعاملات همچنین زمینه را برای تقویت

^۱. Nord Stream

روابط دیپلماتیک و همکاری‌های راهبردی با اتحادیه اروپا فراهم می‌کنند، به گونه‌ای که روابط اقتصادی و ژئوپلیتیکی به طور همزمان توسعه می‌یابند (Lakhwani, 2025: 131-132). اتحادیه اروپا در پی تحولات ژئوپلیتیکی، به‌ویژه جنگ اوکراین و تنش‌های شدید با مسکو، به دنبال یافتن منابع جایگزین انرژی بوده و جمهوری آذربایجان در این میان توانسته نقش قابل توجهی ایفا کند. به‌رغم آنکه روابط جمهوری آذربایجان با اروپا در زمینه‌های سیاسی و حقوق بشری همواره با تنش و اختلاف همراه بوده است، انرژی همچنان به‌عنوان مهم‌ترین پیوند میان دو طرف عمل کرده است. به همین دلیل، اتحادیه اروپا مهم‌ترین شریک تجاری جمهوری آذربایجان و خریدار اصلی نفت و گاز این کشور باقی مانده است.

اوج این روند در ژوئیه ۲۰۲۳ رقم خورد، زمانی که جمهوری آذربایجان و بروکسل توافقی بزرگ برای افزایش صادرات گاز امضا کردند. طبق این توافق، قرار است تا سال ۲۰۲۷ صادرات گاز جمهوری آذربایجان به اروپا تقریباً دو برابر شود و به حدود ۲۰ میلیارد مترمکعب در سال برسد. این قرارداد برای اروپا به منزله یک اقدام حیاتی در جهت جبران کسری انرژی ناشی از کاهش یا قطع تحویل‌های روسیه است (Eurasianet.org, 2023). به بیان دیگر، جمهوری آذربایجان توانست در بزنگاه تاریخی ناشی از جنگ اوکراین و بحران انرژی اروپا، جایگاهی راهبردی برای خود ایجاد کند و با ایفای نقش عرضه‌کننده مطمئن انرژی، هم نفوذ اقتصادی و سیاسی خود را در قاره اروپا افزایش دهد و هم در برابر روسیه فضای مانور بیشتری به دست آورد.

اهمیت این توافق را می‌توان از چند زاویه بررسی کرد. نخست، از منظر کمی، آمارهای موجود نشان می‌دهد که جمهوری آذربایجان اکنون پنجمین تأمین‌کننده گاز اتحادیه اروپا است و ۴.۸ درصد از کل واردات گاز این بلوک را تأمین می‌کند (Yusifli, 2025). همچنین در حوزه نفت نیز حدود ۱۹.۸ میلیون تن نفت خام از میادین جمهوری آذربایجان روانه اروپا شد و حدود پنج درصد نیاز وارداتی این اتحادیه را پوشش داد هرچند این ارقام در مقایسه با سطح تأمین روسیه قبل از بحران اوکراین محدود به نظر می‌رسند، اما اهمیت نمادین و ژئوپلیتیکی آن‌ها بسیار فراتر از حجم صادرات است. برای نخستین بار اتحادیه اروپا توانست در بازه‌ای کوتاه، منابع جایگزینی برای بخشی از نیازهای فوری خود بیابد و جمهوری آذربایجان را به یکی از بازیگران اصلی این فرایند بدل کند. دومین نکته این است که از منظر کیفی، جمهوری آذربایجان به‌عنوان کشوری که خارج از ساختارهای اتحادیه اروپا قرار دارد و وابسته به چارچوب‌های سیاسی و نهادی بروکسل نیست، توانسته با انعطاف‌پذیری بیشتری

به نیازهای فوری انرژی اروپا پاسخ دهد و این امر آن را به یک بازیگر مطلوب در نگاه بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه اروپا تبدیل کرده است.

با این حال، باید توجه داشت که روابط جمهوری آذربایجان و اتحادیه اروپا به رغم همکاری‌های گسترده در حوزه انرژی، فاقد بسترهای عمیق‌تر سیاسی است. جمهوری آذربایجان بارها به صراحت اعلام کرده است که علاقه‌ای به عضویت در اتحادیه اروپا ندارد و از اصلاحات دموکراتیک و حقوق بشری به عنوان بخشی از الزامات نزدیک شدن به بروکسل پرهیز می‌کند. الهام علی‌اف^۱ در دسامبر ۲۰۲۳ تأکید کرد که «عضویت در اتحادیه اروپا دری است که هیچ‌کس در آن سوی آن منتظر جمهوری آذربایجان نیست» و به این ترتیب بار دیگر فاصله سیاسی میان طرفین را برجسته کرد (JAMnews, 2023). با این حال، اروپا با چشم‌پوشی نسبی از این اختلافات، همچنان به دلیل ضرورت‌های انرژی به همکاری با جمهوری آذربایجان ادامه می‌دهد و این خود نشان می‌دهد که انرژی توانسته است پیوندی عملی و استراتژیک میان طرفین ایجاد کند. از سویی دیگر جمهوری آذربایجان در دو دهه اخیر همواره تلاش کرده است که نقش خود را به عنوان یک بازیگر انرژی فراتر از اندازه جغرافیایی‌اش تثبیت کند، اما شرایط ژئوپلیتیکی پس از جنگ اوکراین فرصت بی‌سابقه‌ای در اختیار این کشور قرار داد تا هم روابط خود با اروپا را تعمیق بخشد و هم به کاهش وابستگی قاره سبز به روسیه کمک کند.

از سوی دیگر، این همکاری انرژی به طور غیرمستقیم به کاهش نفوذ روسیه نیز کمک کرده است. پیش از جنگ اوکراین، روسیه بزرگ‌ترین تأمین‌کننده گاز اروپا بود و از این اهرم برای اعمال فشار سیاسی استفاده می‌کرد؛ اما با روی آوردن اروپا به منابع جایگزین، از جمله جمهوری آذربایجان، روسیه بخشی از ابزار ژئوپلیتیکی خود را از دست داده است؛ به عبارت دیگر، هرچه اروپا بیشتر به سمت انرژی دریای خزر و مسیرهای ترانزیتی قفقاز جنوبی متمایل شود، توانایی روسیه برای اعمال فشار از طریق انرژی کاهش می‌یابد. در این چارچوب، جمهوری آذربایجان نه تنها یک تأمین‌کننده انرژی، بلکه به یک عنصر کلیدی در استراتژی اروپا برای تنوع‌بخشی منابع و کاهش وابستگی به روسیه تبدیل شده است.

نکته قابل توجه آن است که جمهوری آذربایجان در عین همکاری نزدیک با اروپا، سعی کرده است تعادل راهبردی خود با روسیه را نیز حفظ کند. باکو به خوبی می‌داند که قرار گرفتن در موضعی آشکارا ضد روسی می‌تواند هزینه‌های سنگینی در بر داشته باشد، به ویژه

^۱. İlham Heydər oğlu Əliyev

در منطقه‌ای که همچنان تحت نفوذ تاریخی مسکو است. از این‌رو، جمهوری آذربایجان از یک‌سو با ارسال انرژی و کمک‌های انسانی به اوکراین نشان داده است که از استقلال عمل خود دفاع می‌کند و از سوی دیگر تلاش کرده است از پیوستن به جبهه ضد روسی پرهیز کند. این سیاست موازنه‌گرایانه باعث شده که انرژی به ابزار اصلی برای مدیریت همزمان روابط با اروپا و روسیه بدل شود (Yeo, 2024: 2-3).

از منظر اتحادیه اروپا، همکاری با جمهوری آذربایجان در حوزه انرژی تنها یک رابطه اقتصادی نیست بلکه بخشی از راهبرد ژئوپلیتیکی بزرگ‌تر برای تضمین امنیت انرژی در برابر روسیه است. اروپا پس از تجربه بحران گاز در سال‌های اخیر، اهمیت مسیرهای جایگزین همچون خط لوله گاز ترانس آناتولی و خط لوله ترانس آدریاتیک را بیش از پیش درک کرده است. این زیرساخت‌ها که جمهوری آذربایجان نقش اصلی در شکل‌گیری و بهره‌برداری آن‌ها داشته، اکنون به شریان حیاتی برای تأمین انرژی اروپا بدل شده‌اند. همزمان، انرژی به جمهوری آذربایجان امکان داده است تا روابط خود را با کشورهای کلیدی اتحادیه اروپا به شکل دوجانبه تقویت کند. در میان کشورهای عضو، یک‌سوم آن‌ها از جمله رومانی، بلغارستان، ایتالیا، مجارستان، لهستان و لیتوانی روابط راهبردی مستقیمی با جمهوری آذربایجان دارند. این روابط عمدتاً حول محور انرژی شکل گرفته و به باکو امکان داده است تا در سیاست اروپایی از حمایت بخشی از اعضا برخوردار شود و در عین حال مواضع انتقادی کشورهای دیگر را تعدیل کند. به این ترتیب، انرژی ابزاری برای دیپلماسی چندلایه جمهوری آذربایجان در اروپا بوده است (Huseynli, 2024: 18-19).

اگرچه آینده این روابط همچنان به عوامل مختلفی از جمله تحولات جنگ اوکراین، روابط روسیه با غرب و همچنین روند داخلی سیاسی در جمهوری آذربایجان بستگی دارد، اما یک نکته روشن است: انرژی جایگاهی غیرقابل جایگزین در تعاملات جمهوری آذربایجان و اروپا یافته است. این جایگاه نه تنها باعث تقویت موقعیت بین‌المللی جمهوری آذربایجان شده، بلکه به اروپا نیز فرصتی داده است تا بخشی از وابستگی خود به روسیه را کاهش دهد. در نتیجه، انرژی در حال حاضر نه صرفاً یک کالا، بلکه یک ابزار راهبردی است که مسیر آینده روابط جمهوری آذربایجان و اروپا را تعیین می‌کند و به این کشور کوچک در قفقاز جنوبی نقشی فراتر از اندازه جغرافیایی‌اش بخشیده است.

در کنار نفت و گاز، سیاست انرژی جمهوری آذربایجان در حال تطابق با چشم‌اندازهای بلندمدت اتحادیه اروپا نیز هست. اتحادیه اروپا در چارچوب «معامله سبز اروپا»^۱ بر گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر تأکید دارد و جمهوری آذربایجان تلاش کرده است تا در این مسیر هم‌راستا شود. امضای قراردادهای بزرگ در زمینه انرژی‌های پاک، از جمله ساخت نیروگاه‌های بادی و خورشیدی با حضور شرکت‌های اروپایی مانند بی پی^۲ نیز بخشی از همین استراتژی است (Pvknowhow.com, 2025). این اقدام علاوه بر ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری خارجی و تنوع‌بخشی به منابع انرژی داخلی، جایگاه باکو را در چشم‌انداز بلندمدت امنیت انرژی اروپا نیز تقویت می‌کند. به این ترتیب، جمهوری آذربایجان از یک صادرکننده سنتی هیدروکربن فراتر رفته و در حال تبدیل شدن به یک شریک چندبعدی انرژی برای اروپا است.

برای اروپا نیز نزدیکی به جمهوری آذربایجان صرفاً جنبه اقتصادی ندارد. وابستگی طولانی‌مدت به گاز روسیه نشان داد که انرژی می‌تواند به ابزاری ژئوپلیتیکی تبدیل شود و سیاست خارجی اروپا را به شدت محدود کند. از این منظر، حتی حجم نسبتاً اندک واردات از جمهوری آذربایجان نیز ارزش استراتژیک دارد زیرا به بروکسل کمک می‌کند تا تنوع‌بخشی واقعی را تجربه کند. همچنین همکاری در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر با جمهوری آذربایجان برای اروپا فرصتی است تا گذار سبز خود را در بستری امن‌تر و بدون دخالت روسیه پیش ببرد.

این همکاری‌ها البته چالش‌هایی هم به همراه دارد. زیرساخت‌های انرژی جمهوری آذربایجان هنوز محدودیت‌های زیادی دارد و ظرفیت صادراتی این کشور به اروپا نمی‌تواند به‌طور کامل جایگزین روسیه شود. افزون بر آن، وابستگی بیش از حد به صادرات انرژی می‌تواند اقتصاد جمهوری آذربایجان را در برابر نوسانات قیمت جهانی آسیب‌پذیر سازد. با این حال، باکو تلاش کرده است با سرمایه‌گذاری در انرژی‌های نو و همکاری‌های دوجانبه با کشورهای اروپایی این محدودیت‌ها را مدیریت کند.

همکاری‌های فناورانه با اروپا. سرمایه‌گذاری و همکاری فناوری با اروپا به یک ستون مرکزی و پویا در استراتژی ملی انرژی جمهوری آذربایجان تبدیل شده است. این همکاری فراتر از تجارت سنتی هیدروکربن است و شامل یک مشارکت عمیق و نهادینه شده با هدف نوسازی بخش انرژی کشور، افزایش رقابت‌پذیری جهانی آن و تسهیل گذار استراتژیک به

^۱. European Green Deal

^۲. British Petroleum

سوی اقتصادی متنوع‌تر و پایدارتر است. بنیان این همکاری در روابط دیرینه بین شرکت دولتی نفت جمهوری آذربایجان^۱ و شرکت‌های پیشرو انرژی اروپایی، از جمله بی پی، توتال انرژی^۲ ریشه دارد. این مشارکت‌ها که اغلب از طریق توافق‌نامه‌های مشارکت در تولید و سرمایه‌گذاری‌های مشترک رسمیت می‌یابند، در آزادسازی منابع پیچیده هیدروکربن دریای خزر نقش مهمی داشته‌اند. آنها بیش از صرفاً ترتیبات مالی، به عنوان کانال‌های حیاتی برای جریان مداوم تخصص، نوآوری و بهترین شیوه‌های جهانی عمل می‌کنند.

دامنه و عمق این همکاری‌ها گسترده و چندوجهی است و بر چندین حوزه متحول‌کننده تمرکز دارد:

انتقال فناوری‌های پیشرفته. یکی از مؤلفه‌های اصلی، انتقال سیستماتیک فناوری‌های پیشرفته است. این شامل تصویربرداری لرزه‌ای پیشرفته و تکنیک‌های مدل‌سازی مخزن است که نرخ بازیابی از میادین موجود را به حداکثر می‌رساند. در عملیات بالادستی، شرکای اروپایی فناوری‌های حفاری پیشرفته، سیستم‌های تولید زیر دریا و روش‌های بهبود بازیافت نفت را معرفی کرده‌اند. در پایین‌دستی، همکاری بر نوسازی عملیات پالایشگاه برای بهبود بازده، تولید محصولات پتروشیمی با ارزش بالاتر و رعایت استانداردهای سختگیرانه سوخت درجه یورو متمرکز است که در همین زمینه شرکت توتال انرژی‌رز توافق‌هایی با سوکار جمهوری آذربایجان داشته است (Totalenergies.com, 2023).

زیرساخت‌های حمل و نقل. مسیرهای صادراتی قابل اعتماد به اروپا از اهمیت بالایی برخوردارند. سرمایه‌گذاری‌های مشترک در تأمین مالی و مهندسی کریدور گاز جنوبی، یک پروژه بزرگ با اهمیت استراتژیک اروپایی، بسیار مهم بوده‌اند. این همکاری شامل استقرار فناوری‌های زیرساختی پیشرفته، از جمله مواد خط لوله با استحکام بالا، ایستگاه‌های کمپرسور پیشرفته با قابلیت‌های کنترل از راه دور و سیستم‌های نظارت بر سلامت خط لوله به عنوان مثال در بخش‌های مختلف کریدور گاز جنوب بود (Andriosopouls and Rzayeva, 2017). این پیشرفت‌ها نه تنها امنیت و انعطاف‌پذیری عرضه را تضمین می‌کنند، بلکه جمهوری آذربایجان را به یک قطب لجستیکی کلیدی در چشم‌انداز انرژی اوراسیا تبدیل می‌کنند و نقش آن را به عنوان یک کشور ترانزیت قابل اعتماد ارتقا می‌دهند.

پروژه‌های انرژی پایدار و تجدیدپذیر. همسو با روندهای گذار انرژی جهانی و جاه‌طلبی‌های اقلیمی اروپا، این مشارکت به طور فزاینده‌ای به سمت انرژی سبز گرایش دارد. جمهوری

^۱. SOCAR

^۲. Total Energies

آذربایجان با بهره‌گیری از پتانسیل قابل توجه خود در انرژی خورشیدی و بادی به ویژه باد فراساحلی در دریای خزر به طور فعال با شرکت‌های اروپایی در پروژه‌های تجدیدپذیر در مقیاس بزرگ همکاری می‌کند. این همکاری شامل مطالعات امکان‌سنجی، انتقال فناوری برای تولید انرژی‌های تجدیدپذیر، راه‌حل‌های ادغام شبکه و ظرفیت‌سازی است. یک جهت استراتژیک قابل توجه، کاوش در تولید هیدروژن سبز برای صادرات بالقوه به اروپا است که جمهوری آذربایجان را در موقعیت بازار انرژی آینده قرار می‌دهد. این تنوع‌بخشی به کاهش خطرات اقتصادی بلندمدت مرتبط با وابستگی به هیدروکربن کمک می‌کند و کشور را با اهداف توافق سبز اتحادیه اروپا همسو می‌سازد (Zeynalova, 2025: 177-178).

۳. توسعه ملی، انسجام اجتماعی و مشروعیت‌سازی بین‌المللی

مدیریت استراتژیک منابع انرژی نقشی دگرگون‌کننده و بنیادی در چشم‌انداز سیاسی داخلی جمهوری آذربایجان ایفا کرده است. انرژی بسیار فراتر از یک بخش اقتصادی، به ستون اصلی کشورداری تبدیل شده و یک پروژه ملی جامع را ممکن ساخته است که ثبات را تقویت می‌کند، توسعه را پیش می‌برد و حس هدف مشترک ملی و مشروعیت را تثبیت می‌کند. درآمدها و سرمایه ژئوپلیتیکی حاصل از صادرات انرژی، به‌ویژه از طریق مشارکت با اروپا، ابزارهای لازم را برای دولت فراهم کرده است تا اهداف بلندپروازانه‌ای را برای شهروندان خود دنبال کند و جایگاه شایسته جمهوری آذربایجان را در صحنه جهانی تضمین کند.

تخصیص محتاطانه درآمدهای انرژی در تحقق چشم‌انداز یک جمهوری آذربایجان مدرن، مرفه و مقاوم نقش مهمی داشته است. این امر از طریق ابتکارات ملی چندوجهی آشکار می‌شود: تحول زیرساخت‌ها و چشم‌انداز شهری. بخش قابل توجهی از درآمد انرژی به پروژه‌های زیرساختی بزرگ و دگرگون‌کننده‌ای اختصاص یافته است که به عنوان نمادهای ملموس پیشرفت و جاه‌طلبی ملی عمل می‌کنند. توسعه باکو به یک پایتخت پویا و جهان‌شهری میزبان بناهای معماری در سطح جهانی، شبکه حمل و نقل مدرن و فضاهای عمومی احیا شده گواهی بر این تعهد است. فراتر از پایتخت، سرمایه‌گذاری‌های سراسری در زیرساخت‌های حیاتی، مانند کریدورهای گسترده بزرگراه‌های شمال-جنوب و شرق-غرب، راه‌آهن‌های مدرن، بندر تجارت دریایی بین‌المللی باکو و شبکه‌های فرودگاهی منطقه‌ای، به طور چشمگیری ارتباطات داخلی را بهبود بخشیده‌اند. این پروژه‌ها بیش از تسهیل تجارت، ملت را از نظر فیزیکی ادغام می‌کنند، وحدت سرزمینی را تقویت می‌کنند و با پیوند دادن

مناطق و جوامع به مراکز فرصت، کیفیت زندگی همه شهروندان را بهبود می‌بخشند (Aliyeva, 2022: 280-281).

تقویت سرمایه انسانی و رفاه اجتماعی. دولت به طور استراتژیک از ثروت انرژی برای سرمایه‌گذاری در ارزشمندترین منبع خود یعنی مردم جمهوری آذربایجان استفاده کرده است. برنامه‌های اجتماعی جامعی برای حمایت از شهروندان در مراحل مختلف زندگی اجرا شده است. این شامل حمایت هدفمند از خانواده‌ها، بهبود سیستم‌های بازنشستگی و یارانه‌های قوی برای خدمات ضروری است که در مجموع به عنوان یک شبکه امنیت اجتماعی پایدار عمل می‌کنند. به موازات این، سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در زیرساخت‌های آموزش و مراقبت‌های بهداشتی انجام شده است. تأسیس مدارس جدید، مراکز آموزش حرفه‌ای و مراکز پزشکی پیشرفته، مانند مجتمع‌های پزشکی فوق مدرن که در مناطق مختلف ساخته شده‌اند، نشان‌دهنده تعهد به بهبود شاخص‌های توسعه انسانی است. این سرمایه‌گذاری‌ها، مردم را با مهارت‌ها توانمند می‌سازد و دسترسی به خدمات باکیفیت را تضمین می‌کند و مستقیماً به رفاه اجتماعی و رضایت عمومی کمک می‌کند و با سایر کشورها مانند مجارستان نیز در این خصوص تبادل و همکاری دارند (Nurizada, 2025).

تضمین ثبات و تنوع اقتصاد کلان. تأسیس صندوق دولتی نفت جمهوری آذربایجان^۱ الگویی از مدیریت مالی آینده‌نگر و شفاف را نشان می‌دهد. صندوق با عقیق‌سازی سهم قابل توجهی از درآمدهای بادآورده هیدروکربن، اقتصاد داخلی را از نوسانات قیمت جهانی نفت و گاز محافظت کرده و ثبات ارز و کنترل تورم را تضمین کرده است. این مدیریت محتاطانه، یک محیط اقتصادی قابل پیش‌بینی را فراهم می‌کند که برای برنامه‌ریزی بلندمدت برای شهروندان دولتی و خصوصی مناسب است. علاوه بر این، درآمدهای انرژی به صورت استراتژیک برای پیشبرد دستور کار حیاتی ملی تنوع اقتصادی به کار گرفته می‌شوند. سرمایه‌گذاری‌های عمومی عمده به سمت تحریک بخش‌های غیرنفتی مانند کشاورزی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، گردشگری و لجستیک هدایت می‌شوند. ابتکاراتی مانند ایجاد پارک‌های صنعتی، پارک‌های کشاورزی و مناطق ویژه اقتصادی برای ایجاد موتورهای جدید رشد، ایجاد اشتغال در خارج از بخش انرژی و ایجاد یک اقتصاد پسا هیدروکربنی پایدار برای نسل‌های آینده طراحی شده‌اند (Ifswf.org, 2025).

^۱. SOFAZ

تحکیم اجماع سیاسی داخلی. توانایی دولت در ارائه برنامه‌های توسعه پایدار، نوسازی زیرساخت‌ها و رفاه اجتماعی که عمدتاً از طریق درآمدهای انرژی تأمین مالی می‌شوند، اجماع داخلی گسترده‌ای را در مورد مسیر کشور ایجاد کرده است. همبستگی قابل مشاهده بین دیپلماسی انرژی موفق و بهبودهای ملموس در زندگی روزمره شهروندان، حس اثربخشی ملی و دستاورد جمعی را تقویت می‌کند. این روایت از پیشرفت که ریشه در مدیریت مستقل منابع ملی دارد، عناصر قرارداد اجتماعی را تقویت می‌کند، جایی که عملکرد دولت در ارائه توسعه، اعتماد عمومی به نهادهای ملی را تقویت می‌کند. این امر یک محیط سیاسی متمرکز بر ثبات را پرورش می‌دهد.

اعمال قدرت و تضمین مشروعیت در صحنه بین‌المللی. نقش محوری جمهوری آذربایجان در امنیت انرژی اروپا که با پروژه‌هایی مانند کریدور گاز جنوبی تقویت شده است، اساساً وجهه بین‌المللی آن را ارتقا داده است. این تبدیل از یک بازیگر منطقه‌ای به یک شریک استراتژیک ضروری برای کشورهای بزرگ اروپایی، وزن سیاسی قابل توجهی دارد. این جایگاه ارتقا یافته، به جمهوری آذربایجان صدایی قدرتمند و مورد احترام در مجامع دوجانبه و چندجانبه می‌دهد و به آن اجازه می‌دهد تا منافع و دیدگاه‌های ملی خود را از موضع قدرت پیش ببرد. شبکه متراکم وابستگی متقابل ایجاد شده از طریق مشارکت‌های انرژی بلندمدت و چند میلیارد دلاری با نهادها و شرکت‌های قدرتمند اروپایی، چارچوبی تثبیت‌کننده برای روابط بین‌الملل ایجاد می‌کند. در چنین چارچوبی از منافع استراتژیک متقابل، گفتگو در مورد همه موضوعات، از جمله مواردی که در دستور کار دو جانبه و چندجانبه قرار دارند، با تمرکز بر تعامل سازنده و احترام متقابل انجام می‌شود و جایگاه جمهوری آذربایجان را به عنوان یک بازیگر بین‌المللی و قابل اعتماد و مهم را به خصوص پس از جنگ اوکراین و درگیری قره باغ تقویت کرده است (Гурбанов, 2025: 25).

تقویت تاب‌آوری ملی و استقلال استراتژیک. قدرت اقتصادی حاصل از منابع انرژی در نهایت به تاب‌آوری ملی بیشتر و استقلال استراتژیک تبدیل می‌شود. حاکمیت مالی به دولت این ظرفیت را می‌دهد که بدون فشار اقتصادی خارجی، تصمیمات مستقلی را همسو با منافع ملی خود اتخاذ کند. این استقلال برای دفاع از تمامیت ارضی، پیگیری سیاست خارجی مستقل و سرمایه‌گذاری در قابلیت‌های دفاعی ملی بسیار مهم است. حس امنیت و خودتکایی که از این استقلال اقتصادی ناشی می‌شود، برداشت‌های داخلی از قدرت و

اثربخشی دولت را بیشتر تقویت می‌کند و چرخه‌ای مطلوب ایجاد می‌کند که در آن موفقیت خارجی، وحدت و عزم داخلی را تقویت می‌کند.

هم‌افزایی بین همکاری‌های بین‌المللی و پیشرفت داخلی. رابطه بین تعاملات بین‌المللی انرژی جمهوری آذربایجان و چشم‌انداز سیاسی داخلی آن، هم‌افزایی و تقویت‌کننده است. همانطور که در بخش‌های قبلی به تفصیل شرح داده شد، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و مشارکت‌های فناوری با شرکت‌های پیشرو اروپایی، مجرای مستقیمی برای نوسازی بوده‌اند. انتقال فناوری پیشرفته و تخصص مدیریتی نه تنها کارایی بخش انرژی را افزایش می‌دهد، بلکه استانداردها را در صنایع داخلی مرتبط، از خدمات مهندسی گرفته تا حفاظت از محیط زیست، ارتقا می‌دهد. این امر به پروژه ملی گسترده‌تر ایجاد یک اقتصاد رقابتی و دانش‌محور کمک می‌کند.

۴. چالش‌ها و محدودیت‌ها

اگرچه استراتژی انرژی محور جمهوری آذربایجان، منافع ژئوپلیتیکی و اقتصادی قابل‌توجهی را به همراه داشته است، اما موفقیت مداوم آن بدون مجموعه‌ای پیچیده از چالش‌ها نیست. این موانع ناشی از رقابت‌های ژئوپلیتیکی پایدار، پویایی‌های بی‌ثبات بازار و هنجارهای بین‌المللی در حال تحول است. درک کامل این چالش‌ها، اقدام متعادل‌سازی پیچیده‌ای را که برای حفظ نقش جمهوری آذربایجان به‌عنوان یک شریک انرژی محوری و یک کشور مستقل و در حال توسعه مورد نیاز است، برجسته می‌کند در این بخش به بررسی چالش‌ها و محدودیت‌های جمهوری آذربایجان می‌پردازیم.

فشار استراتژیک روسیه. دیدگاه تاریخی روسیه به قفقاز جنوبی به‌عنوان حوزه نفوذ خود، یک ملاحظه استراتژیک مداوم را نشان می‌دهد. مسکو، کری دورهای انرژی مستقل که از قلمرو آن عبور می‌کنند، مانند کریدور گاز جنوبی را به‌عنوان کاهش نفوذ ژئوپلیتیکی خود بر تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در اروپا می‌بیند. این فشارها به ندرت آشکارا تقابلی هستند، اما به‌عنوان سیگنال‌های دیپلماتیک و اقتصادی ظریف آشکار می‌شوند. این موارد می‌تواند شامل حمایت از مسیرهای خط لوله جایگزین به نفع زیرساخت‌های روسیه، استفاده از مکانیسم‌های قیمت‌گذاری انرژی در توافق‌نامه‌های موجود، یا استفاده از معماری‌های امنیتی مانند سازمان پیمان امنیت جمعی^۱ برای یادآوری نقش امنیتی منطقه‌ای مسکو به

^۱. CSTO

همسایگان باشد. درواقع یکی از چالش‌های جمهوری آذربایجان گسترش مشارکت‌های مهم غربی خود و درعین‌حال اطمینان دادن به مسکو در تعهدش به یک سیاست خارجی متعادل و چندوجهی است که به منافع مشروع روسیه در ثبات منطقه‌ای احترام می‌گذارد. این تعادل ظریف برای جلوگیری از محدودیت‌ها در گسترش صادرات آینده یا اقدامات اقتصادی تلافی‌جویانه ضروری است گرچه درگیر شدن روسیه در جنگ اوکراین سبب توجه کمتر روسیه به منطقه قفقاز جنوبی شد (Brusylovska and MAISTRENKO, 2024: 5-6).

چالش‌های منطقه‌ای با ایران و ترکیه. روابط با همسایگان ایران و ترکیه شامل ترکیبی پیچیده از همکاری، رقابت و منافع مشترک است. طبیعی است که چالش‌هایی در این خصوص میان ایران و جمهوری آذربایجان در خصوص رقابت‌های منطقه‌ای وجود داشته باشد.

در خصوص رابطه آذربایجان با ایران پیوندهای عمیق فرهنگی، تاریخی و مردمی در کنار رقابت استراتژیک در دریای خزر وجود دارد. درحالی‌که وضعیت حقوقی دریای خزر تا حد زیادی با کنوانسیون ۲۰۱۸ حل شد، رقابت اساسی برای نفوذ و حقوق اکتشاف انرژی بالقوه همچنان پابرجاست. ایران ممکن است به روابط نظامی و انرژی رو به رشد جمهوری آذربایجان با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، به ویژه رژیم صهیونیستی و غرب، با سوءظن نگاه کند. چالش در مدیریت این رقابت برای جلوگیری از تشدید تنش و درعین‌حال ادامه تجارت فرامرزی و پروژه‌های زیرساختی سودمند متقابل به گونه‌ای است که حاکمیت و انتخاب‌های سیاسی مستقل جمهوری آذربایجان را تقویت کند (جوکار و ولی زاده، ۱۴۰۴، ۱۵۲-۱۵۱).

در خصوص رابطه جمهوری آذربایجان با ترکیه یک اتحاد استراتژیک است که به‌عنوان یک ملت، دو دولت توصیف می‌شود. بااین‌حال، حتی در این همکاری عمیق، تفاوت‌های ظریفی وجود دارد. ترکیه هم یک شریک مهم ترانزیت انرژی و هم یک مرکز انرژی منطقه‌ای جاه‌طلبانه است (رسولی و سلطانی، ۱۴۲، ۱۴۰۴-۱۴۳). درحالی‌که منافع تا حد زیادی همسو هستند، باکو باید اطمینان حاصل کند که صادرات انرژی آن مسیرها و گزینه‌های متنوعی را برای حفظ اهرم مذاکره و استقلال استراتژیک حفظ می‌کند. این همکاری منبع قدرت است، اما برای اطمینان از اینکه منافع متقابل بدون ابهام باقی می‌ماند، نیاز به همسویی مداوم اهداف استراتژیک انرژی دارد.

شوک‌های قیمت و تقاضای جهانی. نوسانات قیمت‌های جهانی نفت و گاز مستقیماً بر درآمدهای دولت، اجرای بودجه و سرعت پروژه‌های توسعه ملی تأثیر می‌گذارد. رکود طولانی‌مدت می‌تواند انتخاب‌های مالی دشواری را تحمیل کند و به‌طور بالقوه سرمایه‌گذاری

در طرح‌های تنوع‌بخشی یا برنامه‌های اجتماعی را کند کند. عمیق‌تر اینکه، گذار انرژی جهانی به سمت کربن‌زدایی یک چالش ساختاری بلندمدت را ایجاد می‌کند. درحالی‌که جمهوری آذربایجان به‌طور فعال در پروژه‌های انرژی سبز مشارکت دارد، سرعت این گذار باید با تغییرات تقاضای جهانی همسو باشد تا از سناریوی احتمالی دارایی سرگردان یا شکاف درآمدی میان مدت جلوگیری شود؛ بنابراین، موفقیت این استراتژی به‌طور جدایی‌ناپذیری با توانایی کسب درآمد از گاز به‌عنوان سوخت گذار و درعین حال ایجاد هم‌زمان و سریع یک سبد انرژی تجدیدپذیر رقابتی مرتبط است (Deniz and Heyderov, 2024:431-433).

ضرورت تنوع‌بخشی. چالش اقتصادی فراگیر همچنان تسریع تنوع‌بخشی اقتصاد برای کاهش آسیب‌پذیری در همان بخشی است که در حال حاضر آن را تأمین مالی می‌کند. درحالی‌که سرمایه‌گذاری‌های قابل‌توجهی در کشاورزی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، گردشگری و لجستیک انجام می‌شود، ایجاد بخش‌های صادراتی غیرنفتی با رقابت جهانی یک وظیفه نسلی است. این امر نه تنها به سرمایه، بلکه به بهبودهای پایدار در محیط کسب‌وکار، آموزش، اکوسیستم‌های نوآوری و دسترسی به منابع مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط نیز نیاز دارد.

حقوق بشر. جنبه‌هایی از نظام سیاسی و سابقه حقوق بشر جمهوری آذربایجان مورد انتقاد برخی از نمایندگان پارلمان اروپا، سازمان‌های غیردولتی و نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است. برای بخش‌هایی از چشم‌انداز سیاسی اروپا، به‌ویژه در پارلمان اروپا، این نگرانی‌ها می‌تواند به دستور کارهای همکاری گسترده‌تر مرتبط شود. این ممکن است به موانع سیاسی برای تعمیق روابط نهادی یا درخواست‌های مشروط در زمینه‌های خاصی از مشارکت تبدیل شود. چالش جمهوری آذربایجان، مدیریت این گفتمان از طریق تعامل مداوم، برجسته کردن مسیر توسعه حاکمیتی خود، سهم خود در امنیت انرژی منطقه‌ای و برنامه‌های نوسازی اجتماعی خود است، درحالی‌که قاطعانه هرگونه پیوندی را که به‌عنوان نقض حاکمیت داخلی آن تلقی می‌شود، رد می‌کند. این امر مستلزم یک تلاش دیپلماتیک پیچیده برای جداسازی همکاری‌های استراتژیک انرژی و اقتصادی سودمند متقابل از روایت‌های سیاسی است که با آن‌ها مخالف است (Elhosary, 2019:1).

انتظارات شفافیت و مبارزه با فساد. انتظارات برای شفافیت و مبارزه با فساد، به‌ویژه در تعامل با نهادهای مالی غربی، نقشی کلیدی در راهبرد انرژی جمهوری آذربایجان ایفا می‌کنند. جمهوری آذربایجان با پایبندی به معیارهای بین‌المللی مانند طرح شفافیت صنایع

استخراجی^۱، به دنبال حفظ اعتبار خود به عنوان شریکی قابل اطمینان است. چالش‌های پیشروی این استراتژی - از جمله فشارهای ژئوپلیتیکی، نوسانات بازار و انتقادات مرتبط با حکمرانی غیرقابل عبور نیستند و پاسخ به آن‌ها در خود طراحی راهبرد نهفته است: تنوع‌بخشی به مسیرهای صادراتی، ایجاد صندوق دولتی نفت جمهوری آذربایجان، سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و دیپلماسی فعال. این رویکرد نشان می‌دهد که سیاست انرژی جمهوری آذربایجان فراتر از درآمدزایی، بخشی حیاتی از امنیت ملی و حاکمیت مستقل آن است. موفقیت نهایی در توانایی کشور برای بهره‌گیری از دارایی‌های انرژی در راستای ساختن دولتی تاب‌آور، مدرن و تأثیرگذار سنجیده خواهد شد.

۵. مسیر پیش روی جمهوری آذربایجان

مسیر استراتژی انرژی محور جمهوری آذربایجان با تعامل پویای ژئوپلیتیک، نیروهای بازار و سیاست جهانی آب‌وهوا شکل خواهد گرفت. نقش و رفاه آینده این کشور به ظرفیت انطباقی آن در این محیط پیچیده بستگی دارد. مسیرهای بالقوه متمایزی، هرچند نه متناقض، در پیش روی این کشور است که هر کدام پیامدهای عمیقی برای اقتصاد، سیاست خارجی و توسعه اجتماعی جمهوری آذربایجان دارند.

مسیر اول. تثبیت یک قطب انرژی استراتژیک. بر این اساس، عبور موفقیت‌آمیز از چالش‌های فعلی منجر به دورانی از مشارکت‌های استراتژیک مستحکم و نفوذ منطقه‌ای گسترده‌تر برای جمهوری آذربایجان می‌شود. گذشت از این مسیر به چندین عامل بستگی دارد: تقاضای بالای پایدار اروپا برای گاز وارداتی به عنوان سوخت انتقالی؛ ادامه دیپلماسی زیرکانه که روابط با مسکو را متعادل می‌کند، از تحریک اجتناب می‌کند درحالی‌که با قاطعیت سیاست‌های صادراتی مستقل را دنبال می‌کند؛ و حفظ فضای سرمایه‌گذاری پایدار و جذاب در جمهوری آذربایجان برای سرمایه و فناوری غربی.

در این راستا جمهوری آذربایجان و شرکای بین‌المللی آن با موفقیت سرمایه‌گذاری‌های لازم و اجماع دیپلماتیک را برای پیشبرد مرحله بعدی توسعه دریای خزر تضمین می‌کنند. این شامل بهره‌برداری کامل از میداین جدید فراساحلی است که به‌طور بالقوه شامل اکتشاف عمیق‌تر و تکنیک‌های بهبودیافته بازیابی در میداین موجود می‌شود (Yetirmishli and other, 2023: 126-127). نکته مهم این است که این امر مستلزم تحقق ظرفیت خط لوله یا اتصالات اضافی برای تقویت

¹. (EITI)

کریدور گاز جنوبی، مانند ادغام بیشتر با شبکه‌های بالکان و اروپای مرکزی یا تحقق کابل‌های برق زیر دریایی که انرژی تجدیدپذیر خزر را به شبکه اروپا متصل می‌کنند، خواهد بود؛ بنابراین نقش جمهوری آذربایجان از یک تأمین‌کننده گاز به یک قطب جامع انرژی تبدیل می‌شود که جریان‌ها را از آسیای مرکزی و فراتر از آن مدیریت می‌کند.

تعمیق وابستگی متقابل انرژی با اروپا منجر به ارتقاء کیفی در روابط سیاسی کلی خواهد شد. این امر می‌تواند در یک توافق‌نامه مشارکت استراتژیک پیشرفته با اتحادیه اروپا، ادغام بیشتر در طرح‌های حمل‌ونقل و دیجیتال اروپا و افزایش سرمایه‌گذاری اروپا در بخش‌های غیرانرژی اقتصاد جمهوری آذربایجان آشکار شود. جریان‌های درآمدی قابل‌توجه و پایدار، سوخت مداومی را برای دستور کار تنوع ملی، تأمین مالی پارک‌های فناوری پیشرفته، مراکز لجستیک و نوآوری کشاورزی فراهم می‌کند. در داخل کشور، موفقیت پایدار این استراتژی تحت رهبری دولت، روایت‌های حاکمیت مؤثر و رهبری آینده‌نگر را تقویت کرده و ثبات اجتماعی را تثبیت می‌کند. از نظر منطقه‌ای، جمهوری آذربایجان جایگاه خود را به‌عنوان محور اصلی لجستیکی و اقتصادی قفقاز جنوبی تثبیت خواهد کرد و اقتصادهای همسایه را به مدار پروژه‌های اتصال خود جذب خواهد کرد.

مسیر دوم. چندپارگی ژئوپلیتیکی و محدودیت منطقه‌ای. این مسیر هشداردهنده، خطرات تشدید تنش‌های منطقه‌ای و بن‌بست ژئوپلیتیکی را برجسته می‌کند که منجر به رکود در جاه‌طلبی‌های انرژی جمهوری آذربایجان می‌شود. درواقع این احتمال، بر وخامت قابل توجه روابط روسیه و غرب، شکست دیپلماسی چندوجهی جمهوری آذربایجان تحت فشار شدید و یا فقدان سازوکارهای حل منازعات منطقه‌ای برای مدیریت اختلافات خزر پیش‌بینی می‌شود. در این مسیر، رویارویی‌های ژئوپلیتیکی گسترده‌تر، به‌ویژه بین روسیه و غرب، تشدید شده و به قفقاز جنوبی سرایت می‌کند. روسیه ممکن است طیف وسیعی از ابزارهای اقتصادی و سیاسی قهری را قاطعانه‌تر به کار گیرد تا از گسترش بیشتر زیرساخت‌های انرژی غیرمتعهد به سمت اروپا جلوگیری کند. هم‌زمان، مسائل حل نشده مربوط به تعیین حدود دریایی یا رقابت استراتژیک با ایران در دریای خزر می‌تواند به اختلافات حقوقی یا دخالت‌های عملیاتی تبدیل شود که مانع پروژه‌های جدید فراساحلی می‌شود (Xenarios and other, 2025:3-4). این موضوع سبب می‌شود که محیط امنیتی منطقه‌ای بی‌ثبات‌تر می‌شود، حق بیمه ریسک را برای سرمایه‌گذاران افزایش می‌دهد و تأمین مالی پروژه‌های بلندمدت را پیچیده می‌کند.

از سویی دیگر کند شدن یا متوقف شدن توسعه‌های بزرگ جدید انرژی، پتانسیل صادرات جمهوری آذربایجان را محدود می‌کند. اتحادیه اروپا که با جایگزین‌های غیرقابل اعتمادی روبرو است، احتمالاً تلاش‌های خود را برای تأمین منابع LNG از سایر تولیدکنندگان جهانی مانند قطر و نروژ و تسریع ظرفیت تجدیدپذیر داخلی خود تسریع خواهد کرد و احتمالاً در درازمدت شروع به نگاه به فراتر از کریدور خزر خواهد کرد (Liu, 2025: 272-274). برای جمهوری آذربایجان، این امر منجر به ثابت ماندن درآمدهای انرژی، محدود شدن بودجه دولت و کند شدن سرعت زیرساخت‌های کلان و هزینه‌های اجتماعی خواهد شد. این امر می‌تواند فشارهای اقتصادی داخلی را افزایش دهد و اقدامات ریاضتی را ضروری کند. از نظر سیاسی، اهرم بین‌المللی باکو که به‌شدت با نقش آن به‌عنوان یک تأمین‌کننده انرژی در حال گسترش گره خورده است، کاهش می‌یابد و به‌طور بالقوه آن را در برابر فشارهای منطقه‌ای آسیب‌پذیرتر می‌کند.

مسیر سوم. شتاب‌دهنده انتقال انرژی و چرخش استراتژیک. در این مسیر، جمهوری آذربایجان اجتناب‌ناپذیری گذار جهانی به سوی انرژی سبز را می‌پذیرد و انطباق فعال و موفقیت‌آمیز خود را با آن فرض می‌کند. در این سناریو سیاست‌های جهانی آب‌وهوا بسیار مؤثر واقع می‌شوند و پیشرفت‌های تکنولوژیکی در ذخیره‌سازی انرژی و انرژی‌های تجدیدپذیر سریع‌تر از آنچه پیش‌بینی می‌شد، رخ می‌دهند. تقاضای اروپا برای سوخت‌های فسیلی در بازه زمانی ۲۰۳۵-۲۰۵۰، پیش از بسیاری از پیش‌بینی‌های محافظه‌کارانه، به‌شدت کاهش می‌یابد گرچه سیاست‌گذاری‌ها در این خصوص توسط دولت‌ها نیز بسیار مهم است (Latrache and other, 2025: 254-255). قیمت نفت و گاز وارد یک کاهش ساختاری و بلندمدت می‌شود و ظرفیت مالی کشورهای صادرکننده هیدروکربن را صرف‌نظر از ترتیبات ژئوپلیتیکی کاهش می‌دهد.

علاوه بر این سرمایه‌گذاری‌های فعلی در انرژی‌های تجدیدپذیر (باد، خورشید، هیدروژن سبز) از پروژه‌های مکمل به بخش اصلی استراتژی ملی انرژی و اقتصادی منتقل می‌شوند. جمهوری آذربایجان از روابط مبتنی بر اعتماد موجود خود با شرکت‌های انرژی اروپایی برای ایجاد سرمایه‌گذاری‌های مشترک پیشگامانه در فناوری پاک استفاده می‌کند. همکاری‌ها به طور قاطع از استخراج سوخت فسیلی به تولید و صادرات گسترده برق سبز و هیدروژن از طریق اتصالات الکتریکی جدید فرامرزی خزر و دریای سیاه یا خطوط لوله هیدروژن تغییر می‌کند. این کشور از زمین‌های وسیع خالی از سکنه خود برای مزارع خورشیدی و بادی در

مقیاس بزرگ استفاده می‌کند و به یک نیروگاه انرژی تجدیدپذیر برای منطقه تبدیل می‌شود. جمهوری آذربایجان در همین خصوص اعلام کرده است که هدف آن‌ها تأمین ۳۰ درصد از برق مصرفی این کشور توسط انرژی‌های تجدیدپذیر تا سال ۲۰۳۰ است (Guliyev, 2024: 115).

این چرخش مستلزم یک تحول اقتصادی داخلی عمیق است. درآمدها به‌طور فزاینده‌ای یک صندوق سبز را که بر زیرساخت‌های پایدار، کشاورزی هوشمند با آب‌وهوا و آموزش با فناوری پیشرفته متمرکز است، تأمین مالی می‌کنند. قرارداد اجتماعی از یک قرارداد مبتنی بر توزیع ثروت هیدروکربن به قراردادی مبتنی بر قرار دادن جمهوری آذربایجان به‌عنوان یک اقتصاد سبز پیشرفته از نظر فناوری، تکامل می‌یابد. از نظر دیپلماتیک، این کشور خود را از یک تأمین‌کننده سوخت فسیلی به یک شریک ضروری در کربن‌زدایی و امنیت انرژی اروپا تغییر نام خواهد داد و شکل جدیدی از اهمیت ضروری را در اقتصاد قرن بیست و یکم تضمین خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

تحلیل انجام‌شده نشان می‌دهد که انرژی در جمهوری آذربایجان نه تنها یک منبع اقتصادی، بلکه پیشران اصلی قدرت ملی این کشور در سه حوزه ژئوپلیتیک، سیاست خارجی و سیاست داخلی است. جمهوری آذربایجان توانسته است با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی و ذخایر عظیم هیدروکربوری خود، انرژی را به ابزار راهبردی برای شکل‌دهی به روابط بین‌المللی و تثبیت موقعیت منطقه‌ای تبدیل کند. در این چارچوب، چند نکته راهبردی برجسته می‌شود: اول آنکه، انرژی توانسته است نقش ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان را از یک کشور کوچک به گلوگاه حیاتی اتصال شرق و غرب ارتقا دهد. پروژه‌هایی مانند خط لوله نفت باکو-تفلیس-جیحان و کریدور گاز جنوبی، مسیرهای انتقالی را ایجاد کرده‌اند که این کشور را به بازیگر غیرقابل جایگزین در معادلات امنیت انرژی اروپا تبدیل کرده است. این جایگاه موجب استقلال عمل بیشتر در برابر روسیه و افزایش وزن ژئوپلیتیکی باکو در تحولات قفقاز جنوبی شده است.

دوم، روابط جمهوری آذربایجان و اتحادیه اروپا بر مبنای منافع متقابل، اما نامتقارن است. اروپا نیازمند تنوع‌بخشی به واردات انرژی است و جمهوری آذربایجان نیازمند بازار پایدار، سرمایه‌گذاری و مشروعیت بین‌المللی. جنگ اوکراین این وابستگی متقابل را تقویت کرد و

باکو نیز از این فرصت برای ارتقای موقعیت خود بهره برد. در نتیجه، انرژی به نقطه اتصال اصلی مناسبات جمهوری آذربایجان-اروپا تبدیل شده و این همکاری‌ها به ابزاری برای افزایش نفوذ سیاسی باکو در تعامل با بروکسل و حتی واشنگتن بدل شده است.

سوم، انرژی در سطح داخلی، ستون فقرات مشروعیت سیاسی دولت را شکل می‌دهد. درآمدهای نفت و گاز امکان نوسازی زیرساخت‌ها، توسعه اقتصادی، بازسازی مناطق آزادشده و ارائه خدمات عمومی گسترده را فراهم کرده است. صندوق دولتی نفت جمهوری آذربایجان نقش تعیین‌کننده‌ای در ثبات اقتصاد کلان و کاهش آسیب‌پذیری کشور در برابر شوک‌های خارجی داشته است. به این ترتیب، مشروعیت کارکردی ناشی از عملکرد اقتصادی به ابزار مهمی برای تقویت اقتدار سیاسی تبدیل شده است.

چهارم، جمهوری آذربایجان با گسترش پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر و مشارکت در کریدورهای حمل‌ونقل فرامنطقه‌ای (از جمله زنگه‌زور)، تلاش می‌کند وابستگی خود به هیدروکربن‌ها را کاهش داده و نقش ژئوپلیتیکی‌اش را در آینده نظم انرژی جهان حفظ کند. این تغییر نشان‌دهنده تلاش برای گذار هوشمندانه از اقتصاد نفتی به اقتصاد متنوع و پایدار است، هرچند چالش‌هایی مانند وابستگی ساختاری و نوسانات انرژی همچنان پابرجاست. در مجموع، انرژی نه تنها منبع ثروت، بلکه معماری قدرت جمهوری آذربایجان را شکل داده است. سیاست خارجی انرژی محور، تقویت شده با موقعیت ژئوپلیتیکی و همکاری با اتحادیه اروپا، بر سیاست داخلی و ثبات نظام سیاسی اثر گذاشته و موجب شکل‌گیری الگویی شده است که در آن انرژی مرکز ثقل امنیت ملی، توسعه اقتصادی و مشروعیت سیاسی است. این الگو، جمهوری آذربایجان را در جایگاهی قرار داده که می‌تواند هم‌زمان هم بازیگر منطقه‌ای تأثیرگذار باشد و هم شریک راهبردی اروپا، با این حال موفقیت بلندمدت آن وابسته به میزان توانایی کشور در تنوع‌بخشی اقتصادی و مدیریت گذار جهانی انرژی خواهد بود.

منابع

فارسی

جوکار، علی‌اکبر و اکبر ولی زاده (۱۴۰۴). تغییرات ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی بعد از توافق نوامبر سال ۲۰۲۰ و تأثیر آن بر منافع اقتصادی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۳۱(۱۳۱)، ۱۳۹-۱۷۲. doi: 10.22034/ca.2025.731854

رسولی، احمد و علیرضا سلطانی (۱۴۰۴). جنگ دوم قره‌باغ و ساختار قدرت در قفقاز جنوبی. **فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، ۳۱ (۱۲۹)، ۱۲۵-۱۵۲.
 سلیمی، جلال‌الدین، ذکا دادگستر و احد رضایان (۲۰۲۲). جایگاه جمهوری آذربایجان در امنیت انرژی اروپا. **دانش تفسیر سیاسی**، ۱۴ (۴)، ۲-۲۳.

لاتین

- Ahlman, H. N. (2025, January). The Agreement of the Century-an International Project that Turns Azerbaijan Into an Integral Part of a The Global World Economy. In **Publisher. agency: Proceedings of the 8th International Scientific Conference «Research Reviews»**(January 9-10, 2025). Prague, Czech republic, 2025. 144p (p. 139). Tomas Bata University in Zlín.
- Aliyeva, A. (2022). Post-oil period in Azerbaijan: Economic transformations, anti-inflation policy and innovations management. **Marketing i menedžment innovacij**, (2), 268-283.
- Andriosopoul, K and Rzayeva, G (2017). **The Southern Gas Corridors and Its Importance for South-east Europe**.
https://www.bp.com/content/dam/bp/country-sites/en_az/azerbaijan/home/pdfs/e-books/sgcbook.pdf
- Asadova, K. (2024). Azerbaijan's Energy Security Policy in the Context of Relations with the European Union. **Baltic Journal of Legal and Social Sciences**, (4), 250-254. <https://doi.org/10.30525/2592-8813-2024-4-25>
- Bedford, S., & Aliyev, N. (2024). **The End to “Balancing” Foreign Policy? Why the Invasion of Ukraine Matters for Azerbaijan. A World Order in Transformation?**, 90.
- Brusylvoska, O., & Maistrenko, Y. (2024). Russia in the Politics of South Caucasus countries after 2022. **Stosunki Międzynarodowe–International Relations**, 4, 13.
- Deniz, M., & Heyderov, A. (2024). Disturbing Effects of Global Oil Price Changes: Case of Azerbaijan. **İnsan ve Toplum Bilimleri Araştırmaları Dergisi**, 13(1), 422-445.
- Dinçer, M. (2024). The role of Azerbaijan as the EU's energy supplier: a secondary alternative partner in natural gas. **European Politics and Society**, 25(4), 624-642. DOI: 10.1080/23745118.2023.2288867
- Elhosary, S. (2019). **Progress in Azerbaijan? Not Without Human Rights**. Human Rights Brief Regional Coverage: Europe and Central Asia. Washington DC: American University. <https://digitalcommons.wcl.american.edu/cgi/viewcontent.cgi>.
- Eurasianet.org (2025). **Azerbaijani and Georgian Electricity Export Project Takes Step Forward**. <https://eurasianet.org/azerbaijani-and-georgian-electricity-export-project-takes-step-forward>
- Eurasianet.org, (2023). **Azerbaijan Says on Target to Double Gas Exports to Europe**. <https://eurasianet.org/azerbaijan-says-on-target-to-double-gas-exports-to-europe>
- Firat, B. (2025). Geopolitics, infrastructure and scale-making in the southern gas corridor. **Ethnos**, 90(2), 265-286.

- Guliyev, F. (2024). Renewable Energy Targets and Policies in Traditional Oil-Producing Countries: A comparison of Azerbaijan and Kazakhstan. **Journal of Eurasian Studies**, 15(1), 110-124.
- Huseynli, A. (2024). **Impacts of the Russia-Ukraine War on Relations between Azerbaijan and the European Union**. Available at SSRN 4689459.
- IEA.com, (2025). **Azerbaijan energy profile Energy security**.
<https://www.iea.org/reports/azerbaijan-energy-profile/energy-security>
- Ifswf.org, (2025). **State Oil Fund of the Republic of Azerbaijan**.
<https://ifswf.org/members/azerbaijan>
- Jam-news.net (2025). **Ilham Aliyev: "Azerbaijan does not Aim to Become a Member of the EU"**. <https://jam-news.net/ilham-aliyev-on-the-european-union>
- Lakhwani, R. M. (2025). Energy Geopolitics: Case Studies From the Eastern Mediterranean, Central Asia, and the Russia-Ukraine war. **From Resources to Growth**, 116.
- Latrache, F., Jbira, N., Alaoui, M. S. H., Ouariach, F. Z., Ouariach, S., Bellach, B., & Kaddouri, H. (2025). Opportunities and Perspectives of the Implementation of Smart Energy Transition by 2050. In **Digital Technology for an Innovative Energy Transition: Perspectives and Opportunities** (pp. 245-280). Cham: Springer Nature Switzerland.
- Liu, S. (2025). **Redefining global influence: The Roles of Small States—Norway and Qatar in the Aftermath of the Russian-Ukraine war**. *Comparative Strategy*, 44(2), 258-280.
- Minenergy.gov.az,(2025). **The Use of Renewable Energy Sources in Azerbaijan**.
<https://minenergy.gov.az/en/alternativ-ve-berpa-olunan-enerji/azerbaycanda-berpa-olunan-enerji-menbelerinden-istifade>
- Morgenthau, H. J. (1948). **Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace** (1st ed.). New York: Alfred A. Knopf
- Nurizada, F (2025). **Azerbaijan, Hungary Discuss Military Medicine Cooperation**. <https://www.trend.az/azerbaijan/society/4125287.html>
- Pvknowhow.com (2025). **Azerbaijan Green Energy: Unique Solar Projects Target 2027**. <https://www.pvknowhow.com/news/azerbaijan-green-energy-unique-solar-projects-target-2027>
- Şahin, Ç. (2024). An Evolving Energy Partnership: The European Union and **Azerbaijan**. *Eurasian Research Journal*, 6(1), 25-49.
- Sovacool, B. K. (2012). Reconfiguring Territoriality and Energy Security: Global Production Networks and the Baku–Tbilisi–Ceyhan (BTC) Pipeline. **Journal of Cleaner Production**, 32, 210-218.
- The Energy Institute, **Statistical Review of World Energy** (2025).
<https://www.energyinst.org/statistical-review>
- Totalenergies.com,(2023). **COP28: TotalEnergies Makes its Technology Available to Three National Companies to Measure and Reduce Methane Emissions**. <https://totalenergies.com/news/press-releases/cop28-totalenergies-makes-its-technology-available-three-national-companies>
- Waltz, K. (1979). **Theory of International Politics**. Reading, MA: Addison-Wesley.
- Worldpopulationreview.com (2025). **Oil Reserves by Country 2025**.
<https://worldpopulationreview.com/country-rankings/oil-reserves-by-country>

- Xenarios, S., Orazgaliyev, S., Torabi Haghighi, A., & Kløve, B. (2025). A Perspective on Sustainability and Environmental Challenges in the Caspian Sea. **International Journal of Water Resources Development**, 41(1), 1-8.
- Yeo, A. (2024). Azerbaijan and Iran in the Shadows of Karabakh and Ukraine. **Caucasus Analytical Digest**, (136), 7-11.
- Yusifli, K. (2025). **No Membership, Yet Essential: Azerbaijan in the EU's Strategic Calculus**. <https://caucasusedition.net/no-membership-yet-essential-azerbaijan-in-the-eus-strategic-calculus>
- Yetirmishli, G. J., Kazimova, S. E., & Kazimov, I. E. (2023). Oil and Gas Potential and Modern Seismicity of the Azerbaijan Sector of the Caspian Sea. **Geofizicheskiy Zhurnal**, 45(1).
- Zeynalova, S. (2025). **Green Energy in Azerbaijan (Types and Development Prospects)**.